استناد به این مقاله: حیدری‌فر، محمد رئوف؛ سهیلی، فرامرز (۱۳۹۱). جغرافیای سیاسی، جهانی‌شدن و جریان اطلاعات.
پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی،۲ (۲)، ۲۴۴-۲۲۳.

جغرافیای سیاسی، جهانی‌شدن و جریان اطلاعات

دکتر محمد رئوف حیدری فر[۱]، دکتر فرامرز سهیلی[۲]

دریافت: ۹۰/۱۰/۳ پذیرش: ۹۱/۶/۲۰

چکیده

هدف: *برای فهم جریان جهانی اطلاعات نیاز هست تا با بینشی مبتنی بر جغرافیای سیاسی به تحلیل روندها و فرآیندهای اطلاعات بپردازیم. در این زمینه نیز لازم است تا از رهیافت سرزمین محوری عصر وستفالیا دور شده و به دیدگاهی نو که همان چند محوری است به مبحث اطلاعات و تأثیرات ژئوپلیتیکی آن بپردازیم. این بدین معناست که نمی‌توان همه چیز را در محدوده سرزمین قرار داده و از روش شناسی سرزمین محوری تبعیت نماییم.*

روش: *روش این پروژه توصیفی – تحلیلی بوده که کار جمع آوری مطالب آن از طریق مرور منابع می‌باشد. هدف این مقاله ارزیابی و کنکاش در ارتباط با چگونگی سرنوشت مرزها در آینده (آینده پژوهی) از طریق مطالعهٔ تأثیر جریان اطلاعات بر آن‌هاست.*

یافته‌ها: *امروزه، مرزهای جغرافیایی و مجازی در مورد اطلاعات نسبت به گذشته نفوذ ناپذیر شده اند؛ مثلاً با انجام یک کلیک و با روشن نمودن یک ویدئو و با استفاده از یک ماهواره، اطلاعات در مقیاس جهانی رد و بدل می‌شود. اما این مقاله درصدد آن است که بیان نماید، همه چیز از بین نرفته بلکه باید با بینشی درست که جغرافیای سیاسی آن را بیان می‌کند جریان اطلاعات را تحلیل نمود. صحیح است که فرض نماییم امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که به واسطهٔ جریان آزاد و فراملی اطلاعات و افزایش آگاهی های اطلاعاتی ناشی از این جریان فشرده شده، ما را در یک دهکده جهانی قرار داده است اما همانطور که فرض اصلی مقاله نیز بیان می‌نماید سرزمین زدایی مربوط به اطلاعات، جریانی نسبی است؛ اگرچه نسبت به سایر موارد قویی تر می‌باشد. یعنی اطلاعات نسبت به سایر پدیده‌ها و جریان‌های جهانی همانند شرکت‌های فراملی، سرمایه و غیره کمتر به سرزمین و مرز محدود می‌شود؛ برای درک معمای جغرافیای سیاسی اطلاعات، مسئله مقیاس مؤثر ومفید است.*

کلیدواژه‌ها: *جغرافیای سیاسی اطلاعات، جهانی شدن، سرزمین محوری، جهان محوری.*

---

۱ استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور Amirhidry123@pnu.ac.ir

۲ استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه پیام نور fsohieli@gmail.com

مقدمه

اطلاعات و سرمایه، از آن جمله پدیده‌هایی هستند که در این دوران جهانی، مرزها و موانع را کمتر شناخته و زمینه تحول در فضای جدید جهانی را در مقیاس جهانی بوجود آورده‌اند. امروزه این پدیده زمینه فشردگی زمان و فضا را فراهم ساخته و در واقع با نقش آن به مثابه قالیچه پرنده، چهار گوشه دنیا را به یکدیگر پیوند داده است. یعنی «این حقیقت وجود دارد که فناوری گسترش یابنده اطلاعات چهار گوشه گیتی را به سرعت به هم نزدیک ساخته و فاصله‌های جغرافیایی و فرهنگی را تا حدود زیادی درهم می‌نوردد.»(مجتهدزاده، ۱۳۸۵). اطلاعات در دوران جهانی‌شدن به گونه‌ای است که مکان را در فاصله‌ای نزدیک به تصویر می‌کشد. اخبار از اقصی نقاط جهان در فاصله‌های مکانی دور در لحظه‌ای توسط ابزارهایی همانند ماهواره، اینترنت و تلویزیون در اختیار افراد در منازل و یا محل کارشان قرار می‌گیرد. جغرافیای سیاسی اطلاعات بیان‌گر این واقعیت است که امروزه آگاهی و دسترسی به منابع اطلاعاتی ستون اصلی تحولات و جهانی‌شدن می‌باشد. در این زمینه نه تنها اطلاعات از اهمیت زیادی برخوردار است بلکه به مرزها، قوانین و محدودیت‌ها و موانع احترام نگذاشته و به اصطلاح از هفت دولت آزاد است.

اصطلاحات جدید نظیر فنآوری، اطلاعات، فنآوری اطلاعات و ارتباطات و غیره ریشه در اهمیت یافتن پدیده تولید، گردآوری و انتشار دانش و فنآوری در سرنوشت ملت‌ها و تولید قدرت،اقتدار و افزایش توان بازیگری در عرصه بین المللی برای بازیگران سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و غیره دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۵) .کنترل بر جریان اطلاعات برای بسیاری از حاکمیت‌های کشورهای جهان سوم اساسی شده است و بنابراین برای ثبات جهان نیز مهم می‌باشد. نابرابری کنترل اطلاعات رشد وسیعی داشته و جدال بین دارندگان و ندارها، بیش از هر بحث معاصری، پیرامون توزیع نامناسب منابع زمین است. انفجار اطلاعات کامپیوتری شده و سیستم‌های آن به دنبال کنترل تقریباً کامل غرب بر فرآیند داده‌ها و جریان داده‌ها، مرحله‌ای از آن چیزی است که استعمار جدید نامیده می‌شود(Ray, 1980, p,40).

فنآوری اطلاعات، زمان و فضا را حذف کرده است. جسیکا ماتوس[1] استدلال می‌کند که انقلاب اطلاعات بازتوزیع جدیدی را برای قدرت به ارمغان آورده است. به بیانی، اهمیت نزدیکی را کاهش داده و به بازیگران غیردولتی سطوح بی سابقه‌ای از قدرت را اعطا نموده است. به نظر می‌رسد که برخی از این تغییرات و تحولات

1Jessica Mateus

واقعیاتی قابل مشاهده است. برای مثال، امروزه، اطلاعات به صورت گسترده قابل دسترسی است و اطلاعات مسیرهای طولانی را می‌پیماید. درکل به نظر می‌رسد که این ویژگی‌های قدرت اطلاعاتی دلالت‌ها و مصداق-های ژئوپلیتیکی خود را دارند (Gray, 2004).

از نظر جغرافیای سیاسی، عصر اطلاعات، فضای جدیدی را برای حکومت‌ها ایجاد می‌نماید؛ حکومت‌ها را تشویق کند تا بدون توجه به موقعیت جغرافیایی‌شان به آسانی در جریان‌ها و بحران‌ها درگیر شوند. پیشرفت‌های فنآورانه در حمل و نقل و ارتباطات منجر به گسترش همسایگی شده و فرصت‌های زیادی برای همکاری و منازعه فراهم می‌آورد. همچنان‌که معاوضات فرهنگی، سرمایه و اقتصادی افزایش می‌یابد، منافع یک حکومت بیشتر جهانی می‌شود. این حقیقت نیز وجود دارد که یک حکومت ممکن است منافعی در برخی از جریانات و حوادث داشته باشد که از نظر جغرافیایی با آن همخوانی ندارد. یعنی قدرت اطلاعات ممکن است زمینهٔ بازیگری با ظرفیت بالا برای حکومت‌ها در عرصه بین الملل فراهم کند تا بدین ترتیب بیشتر در موضوعات خارجی درگیر شوند. فرستادن نیروی نظامی به مناطق بحرانی اغلب هزینه‌بردار و خطرناک است و می‌تواند از نظر سیاسی مناقشه آمیز باشد. قدرت اطلاعات فرصت‌هایی را جهت تأثیر و نفوذ بر حوادث بدون حضور مستقیم و با روش و منش احتیاط آمیزتر ارائه می‌دهد (Gray, 2004). در این مقاله به عامل اطلاعات به عنوان مسئله‌ای دوجانبه نگریسته می‌شود؛ یعنی از طرفی جریان‌های اطلاعات، فراسرزمینی و فرامرزی است و از طرفی تلاش‌هایی در زمینه سرزمین‌سازی مجدد توسط دولت‌ها صورت می‌پذیرد تا این جریان، در اختیار حکومت‌ها و دولت‌ها قرار گیرد. ذکر این نکته نیز ضرورت داردکه سرزمین وستفالیایی[۱] یعنی چهاردیواری مرز، دیگر نفوذناپذیر نیست، بلکه دچار چالش شده است. خطوط کلی این مقاله بر دو جریان و یا مفهوم اصلی استوار است. یعنی این پذیرفتنی است که ما فرض نماییم که همواره جریان‌های غیرحکومتی فراملی، فراسرزمینی و خارج از کنترل، محدودیت و مرز می‌باشند اما از طرف دیگر نیز باید همواره در نظر داشت که پاسخ ها همواره حکومتی، ملی، سرزمینی، و در جهت کنترل کردن، محدودسازی و مرزبندی می‌باشند. معمای پیش روی در

۱- معاهدهٔ وستفالیا Westphalia مابین کشورهای اروپایی در سال ۱۶۴۸ و پس از جنگ های سی ساله بسته شد؛ از این زمان حکومت سرزمینی واحد سیاسی اصلی در عرصهٔ روابط بین الملل و بر روی نقشه‌ها، برخلاف حکومت‌های واسالی، ملوک الطوایفی و غیر ملی گذشته، مورد شناسایی قرار گرفت. حاکمیت اصل خدشه‌ناپذیری بود که از طریق مرز و سرزمین تعریف می‌شد. منظور از وستفالیایی یعنی سرزمین و مرزهای نفوذناپذیر حکومت ملی.

ارتباط با این سه مفهوم یعنی جغرافیای سیاسی، جریان اطلاعات و جهانی‌شدن نیز از این زاویه قابل فهم و بررسی است. یعنی تعامل و نبرد بین دو جریان متضاد تز و آنتی‌تزی به نام سرزمین‌زدایی و سرزمین‌سازی مجدد، محیط اطلاعات را در آینده مشخص می‌نماید و سرانجام سنتزی به وجود می‌آید که پارادایمی حاصل از دو نیروی فوق است. ذکر این نکته نیز الزامی است که –به زعم نویسندگان- ما اکنون در زمان گذر بسر می‌بریم و نیروهای متضاد و مقابل با هم به ثبات نرسیده‌اند. مقاله پیش روی بر این دو نیرو تأکید دارد و مثال های داخل متن، تکرار مباحث و اغلب تناقضاتی که مشاهده می‌شود در جهت تبیین فرضیه ذکر شده یعنی سرزمین‌زدایی و سرزمین‌سازی مجدد می‌باشد، به طور مثال :«جریان‌های ارزان اطلاعات به‌طرز هنگفتی، تعداد و عمق مجراهای فراملّی تماس را گسترش داده‌اند. عاملان غیردولتی فرصت‌های بسیار بیشتری برای سازماندهی و انتشاردیدگاه‌هایشان دارند. خیلی آسان به‌درون دولت‌ها نفوذ می‌شود و دولت‌ها کمتر به جعبه‌های سیاه شبیه‌اند. در نتیجه، رهبران سیاسی در حفظ نظم مربوط به موضوعات سیاست خارجی با دشواری روبرو هستند. با این‌همه، دولت‌ها هنوز ارتجاعی‌اند و برخی کشورها، بویژه کشورهای بزرگ با جوامع مردم‌سالار، جایگاه خوبی در سود بردن از یک جامعهٔ اطلاعاتی دارند. اگرچه نفوذناپذیری سیاست‌های حکومت ممکن است در این وضعیّت‌های تکثّرگرا و نفوذپذیر کاهش یابد، نهادهایشان جذّاب و بیاناتشان معتبر خواهند بود بنابراین قادر خواهند بود، قدرت نرم را به خوبی به‌کار برند و درنتیجه به بسیاری از اهدافشان نائل شوند. آینده، نه منحصراً برعهدهٔ دولت است و نه برعهدهٔ روابط فراملّی. دولت‌های جغرافیامدار، به پایه‌ریزی سیاست‌ها در عصر اطلاعاتی ادامه خواهندداد، اما آن‌ها کمتر به منابع مادّی و بیشتر بر توانایی خود به معتبرماندن برای عموم با منابع هر چه متنوّع‌تر اطلاعات تکیه خواهند کرد.»(اُکُهان و اس.نی، ۱۳۸۳)

روش پژوهش

در نگارش این مقاله از روش توصیفی – تحلیلی استفاده شده و گردآوری مطالب از طریق مرور منابع صورت پذیرفته است. هدف این مقاله ارزیابی و کنکاش در ارتباط با چگونگی سرنوشت مرزها در آینده (آینده پژوهی) از طریق مطالعهٔ تأثیر جریان اطلاعات بر آن‌هاست. به بیانی، این نوشتار به وجود تغییرات در جهان جغرافیایی- سیاسی معتقد است و همچنین به از بین رفتن مرزها اعتقاد ندارد. مرزها از جمله مفاهیم پایدار در جغرافیای سیاسی بوده و به رغم فراملی شدن و فرامرزی شدن روزافزون برخی جریانات و پدیده‌ها همانند

جریان اطلاعات، نقش و اهمیت خود را در دنیای جهانی‌شده حفظ می‌نماید. با وجود فرآیندهای مرززدا، نیاز به تقویت مرزها در زمینه امنیت و اطلاعات احساس می‌شود.

جغرافیای سیاسی و جریان اطلاعات

در فرهنگ آکسفورد، جغرافیای سیاسی به منزله علمی تشریح شده که در ارتباط با مرز و مالکیت حکومت‌ها [سرزمین] بحث می‌کند(Azam, 1992). جغرافی‌دانان سیاسی هم وقت و انرژی زیادی را صرف مطالعات مرزی کرده و تمرکز آن‌ها بیشتر بر مبادی مرزها، تکامل، شکل فیزیکی ونقش آن‌ها بوده است (درایسدل[1]، ۱۳۶۹). جغرافیای سیاسی در مقیاس بزرگ و واقعی، به مطالعه چگونگی تعیین قلمرو در محیط‌های گوناگون تحت شرایط فرهنگی متفاوت می‌پردازد.

به طور کلی تلاش‌هایی برای تعریف مرز به همراه طبقه‌بندی و فهرست عنوان انواع مرز، توسط دانشمندان انجام گرفته است (مانند Kristof, 1959; Holdrich, 1943; Hartshorne, 1936). اگر چه اولین مباحث مرزهای سرزمینی توسط جغرافی‌دانان دانشگاهی به زمان راتزل[2] (۱۸۹۷) برمی‌گردد که رفتار ارگانیکی دولت را مطرح کرد، اما این موضوع توسط لردکرزن[3](۱۹۰۸) وهولدریچ (۱۹۱۶) دربارهٔ مرزهای سیاسی وشکل‌گیری مرزها پی گیری شد (cited in Newman and Passi, 1998).

جغرافیای سیاسی به عنوان زیرشاخه‌ای از رشتهٔ جغرافیای به مسائل مرز و سرزمین توجه زیادی دارد. اصولاً آن‌چه در ارتباط مستقیم با پدیدهٔ مرز و سرزمین است در حیطهٔ جغرافیای سیاسی (مخصوصاً) قرار می‌گیرد. برای مثال لاکست می‌گوید: «من چیزی را ژئوپلیتیکی می‌نامم که با رقابت و تعامل قدرت برروی (و بر سر) سرزمین مرتبط باشد. رجوع به سرزمین با تمام خصوصیات جغرافیایی آن است که ارتباط بین ژئوپلیتیک [جغرایای سیاسی] و جغرافیا را برجسته می‌کند. امروزه از ژئوپلیتیک [جغرایای سیاسی] در ارتباط با تشدید مسایلی بسیار متفاوت سخن می‌رود؛ مثلاً: پدیدار شدن کشورهای جدید، ترسیم مرزهایشان، منازعات منطقه‌ای آن‌ها، گسترش برخی ایدئولوژی‌های سیاسی و مذهبی همچون اسلام‌گرایی و مطالبات مردمانی که خواهان استقلال هستند.» (لاکست[4]،۱۳۷۸، ۴۰-۱۵)

1- Alasdair Drysdale
2- Ratzel
3- Curzon
4- Locoest

اگنیو [۱] و دیگران بیان می‌کنند که جغرافیای سیاسی مدرن به زمان استحکام سیستم بین الدولی از معاهدهٔ وستفالیا به بعد است.جغرافیای سیاسی شکلی از قدرت – زمینِ حکومت است. ازطرف دیگر جغرافیای سیاسی تنها روابط بین الملل نیست بلکه به روابط داخلی و بین المللی، حفظ مرزها، و اشیاء موجود در سرزمین می-پردازد (cited in Othutail, 1998)، اما جغرافیای سیاسی به سادگی گذشته نیست. جغرافیای سیاسی هم اکنون به مرزها به مثابهٔ چیزی بیش از وجود آن‌ها بر روی نقشه می‌نگرد؛ مرزها به گونه‌های متنوع [بخصوص ادراکی] تقسیم می‌گردن(Ó Tuathail, 1988). در این راستا« جغرافیای سیاسی اطلاعات به بررسی تأثیر و تأثر جغرافیای سیاسی کشورها بر گردش اطلاعات در جامعه می‌پردازد. از دیدگاه جغرافیای سیاسی اطلاعات، عوامل هدایت کننده جریان اطلاعات در رسانه‌های عمومی مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، اینترنت، وب و مانند آن نقش مهمی در ایجاد نگرش‌ها و تغییر در جهت‌گیری‌های خرد و کلان افراد یک جامعه دارد. این تأثیرگذاری به تغییر در جوامع، از کوچک‌ترین واحدهای جغرافیایی تا کشورها، مناطق، قاره‌ها و جهان منجر می‌شود. چنین مباحثی در بحث امپریالیسم رسانه‌ای مطرح می‌شود. در امپریالیسم رسانه‌ای شبکه‌ای از رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب همچون مجله‌ها، شرکت‌های تبلیغاتی و چاپ و نشر شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و مطبوعات وجود دارند که تحت سیطره یک فرد یا یک ایدئولوژی خاص اداره می‌شوند و کارکرد آن علاوه بر بیرون راندن رقبا، اثرگذاری بر مخاطبان و القای آراء و نظرات خاص است (بیگدلی و زارع فراشبندی، ۱۳۸۶).

با توجه به این‌که قدرت، کانون توجه در جغرافیای سیاسی است، «ژئوپلیتیک [جغرافیای سیاسی] اطلاعات نیز به قدرت البته با رویکرد متفاوتی توجه می‌کند. قدرت به مثابه مدیریت قلمروهای گوناگون زندگی (سیاست، اقتصاد) می‌باشد. تحلیل‌های ژئوپلیتیکی، قدرت را به مثابه مدیریت قلمروی اطلاعات بر اساس دانش، کنترل اطلاعات و تکنیک‌های تأثیرگذار بر افکار عمومی می‌بیند» (Maliukevičius, 2006).

این شیوه کنترل اطلاعات در جامعه اطلاعات الکترونیکی به طور روزافزون دشوارتر می‌شود. «آلوین تافلر» خاطر نشان می‌سازد، هنگامی که تنها کانال‌های اطلاعاتی بسیار معدود و در نتیجه محدودیت برای مخاطب وجود داشت، رسانه‌های گروهی تأثیر همگن‌سازی بسیار قدرتمندی داشتند. اکنون این شرایط با مفاهیم سیاسی و فرهنگی‌اش در حال تغییر است.

«تافلر» می‌نویسد: «دولت‌های با فنآوری پیشرفته، با آینده‌ای مواجه‌اند که در آنی، مردم بجای یک پیام

2- Agnew

هماهنگ در معدود رسانه‌های عظیم، با پیام‌های چندگانه، متضاد، مشتری پسند تجاری سیاسی و فرهنگ مورد هجوم واقع می‌شوند. «تحقق شیوه‌های قدیمی بسیج همگانی» و «مهندسی رضایت‌مندی» در محیط رسانه‌ای جدید دشوارتر می‌گردد (هریس، ۱۳۸۱). وقتی اطلاعات به عنوان یک منبع در نظر گرفته شود، مباحثی از قبیل تخصیص و کنترل اجتماعی آن، به‌طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابند. اطلاعات در طبیعت خود بسیار شبیه به مواد معدنی است، لذا، هنگامی که توسط جامعه یا کشوری تولید شد باید به قسمت‌های خاص تخصیص داده شود تا مورد بهره‌برداری قرار گیرد. جریان اطلاعات را می‌توان منحرف کرد یا برای مقاصدی خاص یا گروه‌هایی معین به جریان انداخت.

جریان جهانی اطلاعات حوزه‌ای وسیع را در می‌گیرد و حرکت پیام ها و اطلاعات را در میان مرزهای ملی، بین دو یا چندین نظام ملی و فرهنگی شامل می‌شود که تنوع، گستردگی و حجم اطلاعات مورد مبادله از ویژگی‌های بارز این جریان به شمار می‌آید و عوامل زیادی از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و فنآوری را در می‌گیرد (حسن زاده و فتاحی، ۱۳۸۳).

آنچه از دید جریان اطلاعات و از لحاظ جغرافیای سیاسی اطلاعات اهمیت ویژه‌ای دارد، نحوهٔ تعامل و هم‌گرایی میان جریان ملی با جریان جهانی اطلاعات است (حسن زاده و فتاحی، ۱۳۸۳). هم چنین انواع مالکیت، کنترل رسمی و غیررسمی، منابع اقتصادی، کاغذبازی‌ها و سلسله مراتب اداری دولت‌ها و مؤسسات فعال در جریان اطلاعات و اهداف پذیرفته شده در جغرافیای سیاسی اطلاعات مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به علاوه، دولت‌ها با در داست داشتن اهرم‌های نظارتی و منابع قدرت یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در جریان اطلاعات هستند که بنا به شیوه‌های حکومتی دولت‌ها یا به طور مستقیم یا همانند یک حامی مشوق و تسهیل گر جریان اطلاعات در سطح ملی و بین المللی عمل می‌کنند (حسن زاده و فتاحی، ۱۳۸۳).

درکل، در جغرافیای سیاسی اطلاعات، سه موضوع اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرد: ۱. روابط داده‌های نوین اطلاعاتی با قدرت‌های سرزمینی، منطقه‌ای و ملی، ۲. قدرت‌های اقتصادی، و ۳. زمینه‌های فرهنگی و سیاسی.

با در نظر گرفتن اهمیت انتقال اطلاعات و تحولاتی که در شیوه‌ها و وسایل ارتباطی پدید آمده، باید توجه داشت که ارتباطات فضایی (ماهواره‌ای)، شریانی بزرگ و اساسی ایجاد کرده است و مرزها را از میان بر می‌دارد. در این زمینه لازم است به دو نکته توجه کرد:

۱. قدرت سیاسی و ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی

۲. شبکه‌های اطلاعاتی دولتی (تلگراف، تلفن و مانند آن) (ژورنالیست با زبان حقیقت، ۱۳۸۸)

انقلاب اطلاعات، جهانی‌شدن و روابط بین‌الملل جدید و جغرافیای سیاسی، نظام‌های جهانی را تغییر شکل داده است. آن‌ها اکنون تحت تأثیر شرایط و محیط اطلاعات جهانی تحول می‌یابند که اصول جدیدی از همکاری‌های سیاسی، رقابت یا منازعه در سیستم بین‌الملل جدید را بازنمایی می‌کند. در این محیط، موانع جغرافیایی و مرزها اهمیت قبلی‌شان را از دست می‌دهند؛ فرآیندهای سیاسی و مفاهیم ژئوپلیتیک سنتی نیز تغییر می‌کند. در واقع این جریان به رابطه فضا و قدرت باز می‌گردد که تحت شرایط قدرت تغییر نموده است. جهانی‌شدن به معنای استحکام جهانی اطلاعات و استانداردهای فنآورانه می‌باشد(Maliukevičius, 2006).

جهانی‌شدن، جهان بدون مرز و جریان آزاد اطلاعات

جهانی‌شدن در حال پیشروی و ایجاد تحول و تغییر در فضای جغرافیای سیاسی جهان می‌باشد. امروزه کمتر نقاطی از این سیارهٔ فرهنگی وجود دارد که خارج از ارتباطات جهانی بوده و در انزوای مطلق قرار گیرد. به دلایلی چند تعریفی جامع از جهانی‌شدن انجام نگرفته است. اما در این رابطه یان آرت شولت بیان نموده که تعاریف در پنج دسته شامل آزاد سازی، جهان‌گستری، بین المللی شدن، غربی شدن یا آمریکایی شدن و در آخر سرزمین زدایی قرار می‌گیرند(شولت، ۱۳۸۶). در مورد دیدگاه‌ها نیز سه دسته از جهان گریان، تحول گرایان و شکاکان وجود دارند که دسته اول معتقد به پایان فضای جغرافیای سیاسی و مفاهیم آن همانند دولت ملت، سرزمین، حاکمیت ملی، مرز و غیره می‌باشند؛ دستهٔ آخر نیز اعتقاد دارند که چیزی به نام جهانی‌شدن وجود ندارد. تحول گرایان نیز معتقد به تغییرات ناشی از جریانات جهانی‌شدن هستند اما به از بین رفتن وپایان مفاهیم فوق اعتقاد ندارند. آنان معتقدند که صرفاً تحولاتی در فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بشریت قرن بیست و یکم صورت گرفته است(هلد، ۱۳۸۲).

اصطلاحاتی همانند جهانی‌شدن، فرامحلی، جهانی محلی شدن، پسا استعماری، پساملی، فراملی، «جامعه پساصنعتی، پساآینده‌نگر، جامعه پسا سرمایه‌داری، جامعه اطلاعاتی، جامعه دانشی، جامعه پسا نوین‌گرایی، انقلاب اطلاعاتی، انقلاب ریزالکترونیکی، موج سوم،» (هارت و سانگبائی، ۱۳۸۱)، فضای سوم، فضای اینترنتی و جهان بدون مرز بوجود آمده که در جهت توصیف بازسازی و ترتیب مجدد روابط فضائی ناشی از پیامد

تغییرات ژئوپلیتیکی، مادی و فنآورانه پایان قرن بیستم به کار گرفته شود.

در سال‌های اخیر، در میان مفاهیم جهانی‌شدن، اصطلاح جهان بدون مرز اعتبار بخصوصی کسب کرده و بحث‌های سیاسی و اجتماعی زیادی را از انواع مختلف و در سطوح گوناگون برانگیخته است (Townsend-Gault, 2005). استفاده‌های معاصر از جهان بدون مرز به خاطر بحث‌هایی کینجی اوهمایی[1] ژاپنی بود. برای وی کشورهای ثروتمند جهان مخصوصاً مثلث ژاپن، آمریکا و اروپا به صورت روزافزونی اقتصاد متصل به هم را ایجاد ساخته‌اند که ابتدا اهداف و خط مشی آن‌ها در تضمین جریان آزاد اطلاعات، پول، کالا و خدمات و هم چنین مهاجرت آزادانه مردم و شرکت‌ها قرار دارد. اوهمایی در این زمینه می‌گوید: به صورت اجتناب ناپذیری، ظهور اقتصاد متصل به هم فرسایش حاکمیت‌های ملی را در پی دارد؛ همچنان‌که قدرت اطلاعات به صورت مستقیم جوامع محلی، حرفه‌های دانشگاهی و موسسات اجتماعی، شرکت‌ها و افراد را در تماس می‌گذارد. تأکید اصلی در همه این موارد و در کل، استدلال بر ماهیت بنیادین اطلاعات و فنآوری اطلاعات است که مرزها را از بین می‌برد. این موضوعی همیشگی و ماندگار در اکثر موارد مربوط به فنآوری ارتباطات است. تعدادی ازپژوهش‌گران و مفسران عمومی بیان کرده‌اند که آزادسازی ها در بحث‌هایی فنآوری های جدید همانند فنآوری اطلاعات ظهور می‌کنند. در این بازنمایی، اساس اطلاعات، قدرت تغییرات بنیادین آن است که هدف آن تضعیف ساختارهای موجود و مقاومت آن‌ها است. به همین دلیل ابزارهای ارتباطی جدید به عنوان فنآوری‌های آزادی و فنآوری‌های بدون مرز نامیده می‌شوند.(Ohmae, 1995). رشد اینترنت و شبکهٔ جهان گستر وب بسیار سریع بوده است. ارتباط اینترنتی هر صد روز دو برابر می‌شود. پهنای باندهای ارتباطات به سرعت گسترش می‌یابد و هزینه‌های ارتباطات مرتباً کاهش می‌یابند.

با گسترش فنآوری‌های ارتباطاتی، اکنون شاهد تغییرات بسیار سریعی هستیم. اما در قلب این انقلاب ارتباطاتی برخی از چیزها وجود دارد که به بشر منفعت می‌رساند؛ توزیع دانش یکی از آن‌هاست. اطلاعات، درحالی که زمانی برای اندکی از افراد موجود بود، امروزه در دسترس بسیاری است و هم دسترسی به صورت آنی و هم از نظر هزینه نیز ارزان می‌باشد. این آن چیزی است که باعث از بین رفتن موانع در فضا شده و نیز فاصله را کاهش داده است و موردی که توسط مک لوهان دهکده جهانی نامیده شد. به مثابه یک نتیجه، ایده‌های جدید سریع‌تر پخش خواهد شد و مرزها را حذف می‌کند. کشورهای فقیر به اطلاعات دسترسی فوری

1- Kenichi Ohmae

دارند. اطلاعاتی که زمانی به وسیله جهان صنعتی قدغن شده بود و به سختی به آن‌ها می‌رسید. شرکت‌های کوچک، خدماتی را ارائه می‌دهند که پیش از این، تنها غول‌ها قادر به فراهم ساختن آن بودند.. در تمام این روش‌ها، انقلاب ارتباطات به صورت عمیق، دمکراتیک و آزاد کننده بوده است. در کل باید از مرگ فاصله‌ها استقبال کرد و از آن لذت برد. مرگ فاصله‌ها و جهان بدون مرز به عدم تفاوت‌ها و حذف موانع و مرزها منجر شده است. در گذشته این شرایط وجود داشته ولی در زمان جهان بدون مرز تفاوت‌ها، محدودیت ها و موانع در ارتباط بین فنآوری های اطلاعات و فضا غایب است.

سرزمین زدایی و جریان اطلاعات

سرزمین‌زدائی اصطلاحی است که به وسیلهٔ پل ویرلیو[1] ابداع شد، و مسئلهٔ پایان قرن بیستم شد. این اصطلاح در میان دیگر موارد همانند جهانی‌شدن، فرامحلی، جهانی محلی شدن، پسا استعماری، پساملی، فراملی، فضای سوم و فضای اینترنتی بوجود آمد که در جهت توصیف بازسازی و ترتیب مجدد روابط فضائی ناشی از پیامد تغییرات ژئوپلیتیکی، مادی و فن‌آوری، به ویژه فنآوری اطلاعات و ارتباطات، پایان قرن بیستم به کار گرفته شد. سرزمین‌زدائی نامی است که بیان‌گر کاهش اهمیت و قدرت سرزمین در زندگی روزمره می‌باشد (Ó Tuathail, Dalby and Rutledge, 1998). سرزمین، دیگر واقعیت بدون مسئله و پایدار، آن گونه که بود، نیست. پس همانطور که گفته شد، وضعیت و موقعیت آن هم اکنون مورد چالش و مسئله دار است.

بحث از سرزمین‌زدائی در گفتمان معاصر، بحث از تحلیل رفتن مجموعهٔ به هم پیچیدهٔ جغرافیا، قدرت و هویت است که زندگی روزمره را برای بیشتر مردم قرن بیستم تعریف و محدود می‌ساخت. سرزمین‌زدائی، صحبت از شرایط جدید سرعت و اطلاعاتی شدن، در نتیجه بی اهمیت شدن مرزها، حذف تقسیمات و تسریع جهان جهانی‌شده است. گفتمان سرزمین‌زدائی به توصیف گذری بی نظیر به شرایط معاصر می پردازد؛ درحقیقت، سرزمین زدائی به مثابهٔ حرکتی به سوی تجدد مخرب تعریف می‌شود (اتوا،a۱۹۹۶).

بی اهمیت شدن حکومت و از موضوعیت افتادن سرزمین و خاک ملی در فرهنگ دیجیتالی حول و حوش فنآوری اطلاعاتی در جهان توسعه یافتهٔ صنعتی، رشد یافته است. با پرورش این فرهنگ، تمایل قوی جهت اتصال‌زدائی از سرزمین، جدائی فرد از خاک و رهائی از سرزمین و مشکلات و محدودیت‌هایی به دنبال آن

1- Paul Virilio

بوجود آمده است. اطلاعات فقط می‌خواهد که آزاد باشد. قدرت ماندگار سرزمین به وسیلهٔ قدرت تله متریک[۱] در حال ظهور تضعیف شده است. عقاید موجود سیاست، سرزمین‌سازی و هویت‌های اشتراکی به وسیلهٔ تمدن اطلاعاتی جدید مورد چالش بوده و سرانجام جایگزین می‌شود. این بحث‌ها آن‌چنان داغ است که برخی‌ها را وادار ساخته تا به جای ژئوپلیتیک [سیاست زمین] از کرنوپلیتیک[۲] [سیاست زمان] استفاده کنند. به جای حکومت بر سرزمین، حکومت بر زمان اهمیت یافته است(Ó Tuathail, 1999). در این رابطه تمامی مقیاس‌ها بجز مقیاس جهانی توسط ارتباطات و اطلاعات جهانی همانند سایر موانع و مرزها از بین می‌روند و تمامی نقاط جهان به واسطه تمدن اطلاعاتی جدید به یکدیگر پیوند می‌خورد.

تمدن در حال تکوین اطلاعاتی و جهانی‌شدن به طور کلی از منظر هستی‌شناختی، اصول حاکم بر فلسفه‌ی پسامدرن را می‌تابند و پارادایم جدید ارتباطات، اطلاعات‌گرایی و پروسترویکا[۳]ی سرمایه‌داری و شکل بی سازمان آن، هم‌چون حلقه‌های زنجیر، محرک اصلی فرآیند جهانی‌شدن هستند و درنهایت، فراسوی زمان خطی رایج در دوره‌ی رنسانس و فضای قلمرویی و مکانمند دوره مدرن، در زمانی بی زمان و فضای سرزمینی، تمدن مشترک جهانی (اطلاعاتی) را نتیجه می‌دهند. اما بازتاب فضایی تمدن اطلاعاتی جدید در پهنه گیتی از چشم‌انداز هستی‌شناختی، ماهیت فنآوری اطلاعاتی را پیش می‌کشد(Ó Tuathail, 1996 b).

اطلاعات هم مانند سرمایه، سرزمین پدری نمی‌شناسد و مقیاس عمل آن پساملی و سیاره‌ای است. هرچند دولت‌ها به ظاهر کماکان می‌توانند نظارت بر برنامه‌های خبری را در اختیار داشته باشند، اما توان بازدارندگی و اختیار و نظارت آن‌ها در حدی نیست که به طور کلی جریان و گردش اطلاعات را به دست گیرند. برای مثال در آلمان، زمان جنگ بین‌الملل دوم، تعداد کسانی که مخفیانه به اخبار «بی بی سی» گوش می‌دادند، به‌اندازه کسانی بود که به تبلیغات «ژوزف گوبلز[۴]» رییس تبلیغات نازی در برنامه‌ی اخبار شب گوش می‌دادند. با این وجود، برنامه‌های اخبار تنها بخش کوچکی از اطلاعات را تشکیل می‌دهد. امروزه هیچ حد و مرز ملی و جغرافیایی برای اطلاعات وجود ندارد. یقیناً ناتوانی دیکتاتورترین رژیم تاریخ در کنترل دسترسی مردم به اطلاعات، عامل اصلی فروپاشی کمونیسم و سقوط امپراطوری شوروی بود. با این وجود در آینده، چالش میان

1-Telemetric
2-Chronopolitics
3- Perestroika
4 - Joseph Goebbels

قدرت‌ها بر سر کنترل اطلاعات خواهد بود. همان‌گونه که در گذشته بر سر کنترل قلمرو و پس از آن بر سر کنترل دستیابی به مواد خام و نیروی کار ارزان و استثمار آن ها می‌جنگیدند (جوان و عبدالهی، ۱۳۸۶).

بازسرزمین سازی

در رابطه با سرزمین‌زدائی باید دانست که ابتدا این گفتمان، گفتمانی ایدئولوژیکی است. واقعیت را بیان نمی‌کند و به صورت بحث‌انگیز آن را اجتناب‌ناپذیر و فراروی جامعۀ سرمایه‌داری معاصر می‌پندارد. به عبارت دیگر، گفتمان سرزمین‌زدائی بخشی از تفسیرهای خودخواهانۀ سرمایه‌داری اطلاعاتی شدۀ معاصر است. آنها عناصر گفتمان‌های غربی را در واحدهای ناپایدار و متناقض ترکیب می‌نمایند. برای مثال گفتمان فرهنگ دیجیتالی میراث‌های انسانی زیادی را به کار می‌برد که بر آزادی و رهایی و کامیابی انسان تأکید دارد.

استدلال دوم اینست که آن‌چه ما با آن روبرو هستیم صرفاً سرزمین‌زدائی نیست، بلکه بازتنظیم نظم/ مرز/ هویت است که به مردم، سرزمین و سیاست در جهان کنونی معنی می‌دهد. سرزمین‌زدائی از نظر کیفی جدید نیست. بعلاوه، یک انتقال صرف از ملیت، سرزمین‌سازی و حکومت محوری نیست، بلکه بازتنظیم عملکرد و معانی شرایط سرمایه‌داری اطلاعاتی و جهانی است. فعالیت‌های انسانی سازمان‌دهندۀ مرزهای حکومت‌ها و سرزمین‌ها به همراه شبکه‌های تکنیکی- اجتماعی و روابط سرمایه‌داری اطلاعاتی شده، تولید و مصرف همزمان تحول می‌یابد.

استدلال سوم اینست که پیامد سرزمین‌زدائی و بازسرزمین‌سازی در پایان قرن ایجاد نقشه‌ای سیاسی است که به صورت متناقض ادغام شده و پیوند یافته و همچنین بیشتر تقسیم شده و جداگشته است. امری که ناشی از پیامد توسعۀ نابرابر روندها و جریانات مربوط به اطلاعاتی شدن و جهانی‌شدن است. درحالی که توسعۀ حمل و نقل، تغییر شکل در بازارها و ارتباطات، دهکدۀ جهانی را بوجود آورده است؛ این دهکده به وسیلۀ آپارتاید[1] جهانی، خصوصیت یافته و باعث جدائی‌ها و دورشدن‌های همسایگی‌ها از یکدیگرشده است.

کوهن و نای[2](۱۳۷۹) به یاد ما می‌آورند که انقلاب اطلاعات می‌تواند باعث افزایش توان قدرت نظامی محیطی حکومت گردد. در حقیقت آن‌ها پا را فراتر گذاشته و به صورت صحیح بیان می‌کنند که از نظر

1- Apartheid
2- Cohen&Nai

جغرافیایی، دولت ملت‌ها به تداوم ساختار سیاسی بر اساس عصر اطلاعات می‌پردازند. آن ممکن است کمتر صحیح باشد که زمانی دولت ملت‌ها بیشتر بر اطلاعات و کمتر بر منابع مادی تکیه خواهند داشت. اما اشتباه است که اهمیت اطلاعات را فراتر از دیگر ابزارهای قدرت بالا برد. حکومت‌ها در کل قدرت‌شان را در ابعادی از استراتژی قرار می‌دهند. همچنان‌که موقعیت و شرایط ویژه را در زمان قرار می‌دهند. اما در قرن بیست و یکم محیط های استراتژیکی و ژئوپلیتیکی به صورت انحصاری صرفاً به وسیله یک بعد یا شکل قدرت تأمین نمی-گردد.

چشم‌انداز ژئوپلیتیکی تغییر خواهد کرد، زیرا یک شکل از قدرت استراتژیکی (قدرت اطلاعات) می‌تواند بدون مراجعه به جغرافیای طبیعی، بصورت جهانی طرح‌ریزی شود. به هرحال، محدودیت‌های قدرت اطلاعات با تسلط اساسی جغرافیای طبیعی بیان می‌کند که واقعیت جدید ژئوپلیتیکی جغرافیای طبیعی را دست کم به آن اندازه منعکس می‌کند که آن قلمرو اطلاعاتی را انعکاس خواهد داد(Ohmae, 2011). در عصر اطلاعات، جغرافیا موضوع بوده و موضوعیت آن از بین نمی‌رود، حتی ممکن است اهمیت بیشتری نسبت به گذشته بیابد. مکان‌ها و نواحی به دلیل پیامدهای بافت جدید جهانی، که ناشی از عصر اطلاعات است، بدون شک تغییر می-کنند.

گرچه به نظر می‌رسد که حقیقت بسیار تلخ است. اما مرزهای رو به زوال ضرورتاً به معنای آزادی بیشتر نیست. به نظر می‌رسد که انسان، شیفتهٔ ابداع گلوگاه‌های جدیدی است که از حرکت آزاد مردم، کالا یا اطلاعات جلوگیری می‌کند. منافع فردی یا گروهی، ظاهراً نیروی محرک قدرت‌مندی است که غالباً مخالف منافع اجتماعی (یا جهانی) یک جامعهٔ بدون مرز بوده و لذا ممکن است رویای قالیچهٔ پرنده را به یاس مبدل کنند (مویر[1]، ۱۳۷۹،ص۲۸۸). مثلاً، دولت‌هایی نظیر چین هنوز می‌توانند دسترسی شهروندانشان را به اینترنت، با مهار ارائه‌دهندگان خدمات و آگاهی‌رسانی، به شمار نسبتاً اندکی از کاربران محدود نمایند. از دیدگاه بازرگانی نیز، انقلاب اطلاعات به‌طور گسترده تجارت‌پذیری و ارزش اطلاعات تجاری را با کاهش هزینه‌های انتقال و هزینه‌های تراکنشی امانت به کاربران اطلاعاتی، افزایش داده است. همان‌طور که «آدام اسمیت» می‌گوید: ارزش اطلاعات زمانی که هزینه‌های انتقال آن کاهش یابد، افزایش می‌یابد، درست زمانی که هزینه‌های انتقال کاهش می‌یابد، ارزش یک کالا افزایش پیدا می‌کند، زیرا بازار بزرگ‌تری در اختیارسازندگان

1- Muir

آن قرار می‌دهد. یک دلیل که انقلاب اطلاعات، سیاست‌های جهان راکاملاً به سیاست‌های جدید وابستگی پیچیدهٔ متقابل تغییر نداده، این است که اطلاعات نه در خلأ، بلکه در آن فضای سیاسی، که قبلاً اشغال نشده است، جریان دارد. دیگر این‌که خارج از کمربند مردمی صلح، جهان دولت‌ها، جهان وابستگی پیچیدهٔ متقابل نیست. دربسیاری مناطق، مفروضات واقع‌گرایانه در مورد تسلط نیروی نظامی و موضوعات امنّیتی هنوز معتبرند. در چهار قرن اخیر، دولت‌ها نوعی از ساختار سیاسی برقرار کرده‌اند که در چارچوب آن، اطلاعات از مرزها می‌گذرد. کمّیت اطلاعات در دسترس در فضای مجازی، به خودی خود اهمیت چندانی ندارد. کیفیّت اطلاعات و تشخیص بین انواع اطلاعات، شاید مهم‌تر باشد. اطلاعات به خودی خود وجود ندارد، بلکه به‌وجود آورده می‌شود.

برای مثال، اطلاعات راهبردی در دسترس برای ایالات متحده در مورد برنامهٔ سلاح‌های هسته‌ای کرهٔ شمالی، پاکستان یا عراق، بیشتر بر داشتن ماهواره‌ها یا جاسوسان مورد اعتماد متّکی است تا بر جریان‌های اطلاعاتی گسترده در پست الکترونیکی. اطلاعات راهبردی تا آن‌جا که ممکن است ـ مثلاً با استفاده از فناوری‌های سرّی‌سازی ـ محافظت خواهد شد. جریان اطلاعات تجاری به برقراری حق مالکیت معنوی در دارایی در فضای مجازی متکی است. سیاست، به همان مقدار انقلاب اطلاعات را شکل خواهد داد که انقلاب اطلاعات، سیاست را (اُکُهان و اس.نی، ۱۳۸۳).

حوزهٔ صلاحیت ملی و حساسیت ملی موانعی قابل توجه در مقابل توسعهٔ سریع ماهواره و دیگر اشکال ارتباطات هستند (Dranche, 2004). برای مثال مقامات دولتی چین، مالزی، عربستان سعودی و کشورهای دیگر، پخش برنامه‌های ماهواره‌ای «خارجی» در کشور خود را غیر قانونی اعلام کرده‌اند. سایر حکومت‌ها نیز با امید جلوگیری از "تهاجم" ضوابط متنوعی وضع کرده‌اند. در دهه‌های ۱۹۷۰ و۱۹۸۰ حکومت‌های جنوب اقداماتی برای نظم نوین اطلاعات و ارتباطات جهانی انجام دادند که یکی از هدف‌های آن افزایش کنترل ملی بر ارتباطات جمعی و القای مشخصه‌های ملی بیشتر از طریق مطالب ارسالی بوده است (شولت، ۱۳۸۶). علاوه بر وابستگی متقابل اقتصادی و جابجائی گستردهٔ جمعیت، شاهد میزان زیادی از فشردگی زمان و مکان هستیم که در آن حوادث در یک بخش از جهان بلافاصله بر بخش‌های دیگر آن تأثیر می‌گذارد و این نتیجهٔ رشد سریع وسایل ارتباط جمعی جهانی، فناوری اطلاعات و مانند آن است. ولی این مسئله که چنین اتفاقاتی جهان ما را به "یک جهان" تبدیل می‌کند، قابل تردید است. حتی اگر مرزهای حکومت ملی در دهه‌های اخیر نفوذپذیرتر

شده باشند، ارتباطات جمعی موجب از رده خارج شدن مرزبندی‌ها نشده است. برعکس، شواهد زیادی در دست است که نخبگان حکومتی تلاش کرده‌اند تا قدرتشان را بر جریان اطلاعات و محصولات فرهنگی، غالباً از طریق توافق‌نامه و پیمان‌های چند جانبه با حکومت‌های دیگر، افزایش دهند (اسمیت،۱۳۸۳). باید ذکر کرد حتی خود این جهان بدون مرز محدودیت‌ها و مرزهایی را درون خود ایجاد کرده است؛ برای مثال کارگران، شرکت‌ها و سرمایه بدنبال فرصت‌ها جابجا می‌شوند و در نتیجه نوعی از قطبی شدن را بوجود می‌آورند. حتی اگر هزینه اطلاعات و حمل و نقل زیاد شود، نزدیکی جغرافیایی در زمینه تجارت در عصر اطلاعات اهمیت می‌یابد (Adams, 2010). به علاوه، بسیاری از کاربران اینترنتی به فضای اینترنتی از یک موقعیت سرزمینی دسترسی دارند. تولیدات جهانی، امور مالی جهانی و ارتباطات جهانی همیشه متأثر از موقعیت‌های سرزمینی است. هواپیمائی نیاز به باند فرودگاه دارد. فنآوری نظامی فراسرزمینی مثل ماهواره‌های جاسوسی معمولاً اهداف سرزمینی را ردیابی می‌کنند. شهرهای به اصطلاح جهانی مثل لندن و توکیو هنوز هم طول و عرض جغرافیائی دارند. یعنی همچنان‌که بیشتر وارد عصر اطلاعات می‌شویم، جغرافیا در حال حرکت در جهت فهم جهانی است که بسیار پیچیده‌تر و متغیرتر از گذشته است. با چنین فهمی، ممکن است نه تنها –به تنوع وتکثر مردم جهان– یعنی مکان‌ها ارج نهیم، بلکه از روابط آن‌ها با هم‌آشنا و آگاه شده و قادر به مشارکت مثبت در توسعهٔ محلی، ملی و جهانی گردیم (Knox, 1998). در دوران جغرافیای سیاسی مدرن، منابع اجتماعی و ارتباطی (کانال‌های تلویزیون، رادیو و رسانه) قلمروی مشابهی از اهمیت را همانند منابع طبیعی (گاز طبیعی و نفت خام) بدست آوردند. کنترل بر بازارهای ارتباطات راه دور اهمیت یافته است و منجر به مبارزات سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای جهت نظارت بر رسانه، هم در بازارهای داخلی و هم در محیط اطلاعات جهانی، شده است. قدرت امروزه در ساختارهای ارتباطی تغییر شکل یافته و به منزله تنها بیان از قدرت، ظهور یافته است. «قدرت فنآورانه مبتنی بر اطلاعات، از اشکال پیشین قدرت مبتنی بر فنآوری از وجوه زیادی متفاوت است:

اول اینکه قدرت اطلاعات به ایجاد یا سازگاری موفق با فنآوری‌های جدید مربوط است که مقادیر زیادی اطلاعات نهادی و فرهنگی را در خود جای داده‌اند. درنتیجه، این فنآوری‌های جدید به آسانی فنآوری‌های عصرهای گذشته در عرض مرزهای ملی جریان نمی‌یابند. دوم این‌که فنآروی‌های اطلاعات ملت/ دولت‌ها را مجبور کرده است که ساختارهای درونی خود را باز تنظیم کنند تا با روند جهانی‌شدن تجارت بین‌المللی که با رایانش و مخابرات سریع‌تر و ارزان‌تر ممکن شده است، مقابله کنند. سوم این‌که توسعه فناوری اطلاعات مشکل

و هزینه نظارت را تا حد زیادی کاهش داده است و قدرت نظارت بیش‌تری هم به دولت‌ها و هم به شهروندان ملت/ دولت‌های معاصر داده است. توانایی شهروندان در استفاده از قدرت‌های جدید نظارت آن‌ها به توانایی آنان در وادارکردن دولت برای صدور مجوز دسترسی به اطلاعاتی، که پیش از این هوشیارانه از آن محافظت می‌شد، بستگی خواهد داشت. این توانایی هم‌چنین به ایجاد و اشاعه فناوری‌های رمزگذاری جدید که به‌طور فزاینده‌ای توسط شرکت‌های تجاری و افراد حقیقی استفاده می‌شود، بستگی خواهد داشت و از این رو، آن‌ها از این پس آن‌چنان زیر نظر دولت‌های ملی نیستند. چهارم این‌که فناوری‌های اطلاعات یک مرز جدید برای اکتشاف ایجاد کرده است که تا حدّی به مرزهای به وجود آمده با مهار قدرت باد برای حرکت کشتی‌ها در عصر اکتشاف شبیه است. مرزهای جدید به جای این‌که واقعی (زمینی یا جغرافیایی) باشند، مجازی هستند» (هارت و سانگبائی، ۱۳۸۱).

نه تنها مفهوم قدرت تحت تغییرات اصلی در عصر اطلاعات قرار گرفته؛ بلکه فهم فضا نیز تغییر کرده است. این جنبه‌های فضایی و فرهنگی جامعه اطلاعاتی است که نظر متخصصین را در جغرافیای سیاسی اطلاعات به خود جذب کرده است. از نظر فرهنگی نقش واسطه‌ها در فرایند ایجاد و پخش اطلاعات مدنظر است و گرایش به رشد اطلاعات منجر به مشکلات تفسیر واقعیت اجتماعی شده است.آلوین تافلر بیان نمود که جامعه سرمایه‌داری وارد عصر پسا صنعتی شده و زیرساخت‌های اطلاعاتی را ایجاد کرده است. زیرساخت‌هایی که در آن پیام‌ها و خبرها به طور مؤثر وکارایی به شکل منابع طبیعی و تولیدات در عصر صنعتی توزیع می‌شود. محیط جدید به مثابه نتیجه‌ای از جهانی‌شدن ایجاد می‌شود. پدیده جهانی‌شدن هم چنین می‌تواند در اصطلاحات وسیع‌تری به مثابه تثبیت جهانی استانداردهای فنأوری اطلاعات تعریف شود. زمان تحلیل محیط اطلاعات در درون محیط جهانی‌شدن جنبه‌های جهانی و گسترده آن مورد تأکید واقع می‌شود. اما محیط‌های اطلاعات جهانی متجانس نمی‌باشد. علاوه بر محیط اطلاعات در درون یک کشور، محیط های اطلاعاتی دیگری نیز در مذهب ها و فرهنگ های گوناگون دیگر موجود است. همچنین، محیط اطلاعات جهانی باید در رابطه با شبکه تفاوت‌ها در عرصهٔ بین المللی تحلیل و مطالعه شود. برخی از نویسندگان معتقدند کشورها در جهان، به صورت رسمی، از محیط‌های اطلاعات صحبت می‌نمایند و آن را تحلیل و بهبود می‌بخشند تا امنیت و ثبات کسب نمایند. تمام دیگر عناصر محیط اطلاعات جهانی بر مبنای پایه‌های جغرافیای ملی ساخته می‌شوند؛ درحالی که محیط‌های اطلاعات ریشه‌هایی در فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، مذاهب و مشاغل ناحیه‌ای دارد و اخیراً عقیده نوع

جدیدی از سیاست مبتنی بر سیاست اطلاعات موثر توسعه یافته است. به علاوه، در محیط اطلاعات جهانی، منازعات نظامی سنتی به وسیله منازعات اطلاعات جایگزین شده است.

نتیجه‌گیری

ما در جهانی بدون مرز زندگی نمی‌کنیم که در آن نشانه‌ای از مرزها و محدویت‌های گوناگون در مقابل حرکت انسان، کالا، اندیشه و اطلاعات وجود نداشته باشد. علی‌رغم بحث های زیاد پیرامون جهان بدون مرز، ابتکارات و ابداعات بشر رویای قالیچه پرنده را با یأس مواجه ساخته است. به نظر می‌رسد در این دنیای درحال جهانی‌شدن، انسان شیفته ایجاد گلوگاه‌های جدید در مقابل جریان آزاد اطلاعات و سایر جریان‌ها است. تمامی نشانه‌ها و شواهد موجود در این مورد بیان می‌کند که دو روند هم‌زمان و متضاد، زمینه شکل‌گیری جغرافیای سیاسی اطلاعات را برای سال‌های پیش رو در قرن بیست و یکم بوجود آورده است. از طرفی فراسرزمینی یا سرزمین‌زدائی و مرززدایی مربوط به جریان اطلاعات وجود دارد. یعنی بشر نسبت به سایر حوزه‌های زندگی هم‌چون اقتصاد، سرمایه و تجارت و مسافرت، آزادانه‌تر به جریان اطلاعات دسترسی دارد. اطلاعات در سراسر این جهان در حال جهانی‌شدن وجود دارد و چهارگوشه دنیا به هم متصل شده است و به همین دلیل دهکده جهانی مک لوهان به واقعیت تبدیل گشته است. فاصله‌ها کاهش یافته و فشردگی فضا - زمان در جهان وب و فضای سایبر قابل مشاهده می‌باشد. به نظر می‌رسد که از این بعد، تحولی بنیادین در فضای سیاسی- اجتماعی ملت‌ها و حکومت‌ها بوجود آمده است و مرز و مانعی از این حیث احساس نمی‌گردد. در این دنیای بدون مرز رسانه‌های فراملی و بازیگران غیردولتی همانند بنگاه سخن پراکنی بریتانیا، اینترنت، ماهوارهای گوناگون، خبرگزاری‌ها، ریانه‌های شبکه‌ای، وب‌های گوناگون، حاکمیت سرزمین و مرزها را مخدوش کرده است.

از طرف دیگر، این تمام ماجرا نیست؛ هرچند احساس می‌گردد که همه چیز تغییر کرده ولی حکومت‌ها بشدت از مرزها، فرهنگ‌ها وملت‌ها و اقتصادشان پاسبانی و مراقبت می‌نمایند. آن ها از طریق سرزمین‌سازی مجدد به بازتنظیم جغرافیا، هویت و قدرت دست می‌زنند. ایجاد محدودیت‌های شبکه‌ای - اینترنتی، نظارت بر تماس های تلفنی، گفت‌وگوی برخط و پست الکترونیک از نمونه‌های تازه‌ای است که حتی در کشورهای لیبرالیستی غربی همانند انگلستان در دوران گوردن براون[1] مشاهده می‌گردد که دسترسی آزاد به اطلاعات را

[1] - James Gordon Brown

محدود می‌نماید. به علاوه، برخی از پژوهش‌های فنآوری اطلاعات اصول و محدودیت‌هایی را در بر دارد که برای تمامی نظام‌های ارتباطات و کامپیوتری به کار می‌رود؛ مثال‌هایی شامل مباحثی است که نشان دهنده محدودیت‌های محاسباتی یا رایانه‌ای است. هم چنین، محدودیت‌های بنیادینی بر ظرفیت‌های کانال‌هایی ارتباطی وجود دارد. پژوهش‌های دیگری نیز بیان می‌کند که طبقات متفاوتی از نظام فنآوری ارتباطات همانند ارتباط کاربر، وب یا پست الکترونیکی وجود دارد. امروزه زبان برنامه‌نویسی سطح بالا (همانند جاوا و سی) زمانی ممکن می‌شود که تکنیک‌های تغییر شکل، اظهارات را به صورت کد برای اجرا در یک کامپیوتر تبدیل نماید. طراحی خود زبان‌ها نیز یک موضوع اساسی است. مورد مشابه در مورد کدگذاری الگوریتم است که به محدودیت های بنیادین ارتباطات در برخی کانال ها برمی‌گردد.

همچنین باید دانست که در حالی که فرایندها اصولاً غیردولتی، فراسرزمینی و فرامرزی است ولی رویکردها و پاسخ ها اکثراً دولتی، سرزمینی، مبتنی بر مرزهاست و در تقابل با جریان‌های مورد نظر ایجاد می‌گردد. استفاده کشورهای جهان سوم همانند ایران، عربستان و سایر کشورهای درحال توسعه از نرم افزارهای چینی در خصوص نظارت بر سایت های غیر اخلاقی و مخالف فرهنگ و شریعت این کشورها، مثالی آشکار در این زمینه است. برخی کشورها نیز با ایجاد پارازیت بر جریان فراملی شدن شبکه‌های ماهواره‌ای پاسخ می‌دهند و سعی می‌کنند تا فضای ملی خود را از مسمومیت‌سازی این شبکه‌های فراسرزمینی نجات دهند. رقابت در فضا، جنگ اطلاعات و ارسال ماهواره‌های مختلف به فضا، نمایشی از مرزسازی، تلاش برای منافع ملی و ایجاد حاکمیت در عرصهٔ جو فوقانی زمین می‌باشد. به علاوه، امروزه از مرزهای قابل انبساط صحبت می‌گردد و سعی می‌شود تا مهاجران کشورهای در حال توسعه قبل از رسیدن و از طریق اطلاعات در همان فرودگاه‌های کشورهای ثالث بازگردانده شوند. فنآوری اطلاعاتی و ارتباطی همانند بیومتریک و مرزهای هوشمند نیز در مرزهای ایالات متحده و اتحادیه اروپایی به کمک این کشورها در جهت سازمان‌دهی به مرزهایشان آمده است. هرچند آن‌ها، مرزهای ثالث را مثلا – مرز جنوب مکزیک برای ایالات متحده– تعریف نموده‌اند، اما یکپارچگی اطلاعات ملی و بین‌المللی پاسخی به تهدیدات فراملی همانند تروریسم، مافیا و مهاجران غیرقانونی توسط حکومت‌ها و در بعد ملی می‌باشد. در این میان لازم به ذکر است که امنیت عاملی مهم است که باعث ایجاد تلاش جهت مرزسازی‌های مجدد می‌گردد. به هرحال، ما در جهانی زندگی نمی‌کنیم که محل اعرابی از مرز، موانع و محدودیت های جغرافیایی یا ژئوپلیتیکی نباشد. بلکه به دلیل حس قلمروخواهی جوامع، گروه‌ها و

بخصوص دولت ملت‌ها- که سازمانی اساساً قلمروساز است- همیشه دسترسی‌ها، تبادلات و جریان ها مورد بازرسی، نظارت و محدویت واقع می‌شوند. در این میان نیز نباید فراموش کرد که تحولاتی در فضای جغرافیایی- سیاسی و ژئوپلیتیکی حال حاضر بوجود آمده و جهان سال‌های دور و نزدیک پیشروی ما جهانی متفاوت خواهد بود که از داربستی از مجموعه‌ای از نیروها و جریان ها در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی تشکیل خواهد شد. به علاوه، در مورد ژئوپلیتیک جریان‌ها باید ذکر گردد که سرزمین‌زدائی و سرزمین‌سازی مجدد یعنی وجود، تأثیر و نقش مرزها در رابطه با جریان آزاد اطلاعات، اندیشه، کالا و انسان زمینه ایجاد فهم و درک مناسب را از معمای سیاست در قرن بیست ویکم فراهم می‌سازد.

کتابنامه

اسمیت، آنتونی دی(۱۳۸۳). *ناسیونالیسم، نظریه، ایدئولوژی، منصور انصاری*، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.

اُکُهان، رابرت و جوزف اس. نی (۱۳۸۳). *قدرت و وابستگی متقابل در عصر اطلاعات*، ترجمه مهدی محسنی، *فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی*، ۲(۷): ۴۶-۵۷.

بیگدلی، زاهد و فیروزه زارع فراشبندی(۱۳۸۶). ژئوپلیتیک اطلاعات: مقایسه تطبیقی اخبار و اطلاعات سیاسی روزنامه‌های «آفتاب یزد» و «کیهان» در تیرماه ۱۳۸۵، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۹): ۴۹-۶۱.

جردن، ج.تری (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای برجغرافیای فرهنگی*. (مترجم سیمین تولائی). پژوهشگاه فرهنگ، هنر وارتباطات.

جوان، جعفر و عبدالله عبداللهی(۱۳۸۶). ارتباطات جهانگستر و تمدن اطلاعاتی(تأملی درون متنی در بازتابندگی های فضایی)، *جغرافیا و توسعه*، ۵(۹) ۴۵-۵۱.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی.

حسن زاده، محمد؛ فتاحی، رحمت الله (۱۳۸۳) "جریان جهانی اطلاعات و چشم انداز ملی ما" *فصلنامه کتاب*، ۱۵(۲): ۸۳-۹۵.

درایسدل ،الاسدیر، وجرالد اچ.بلیک (۱۳۶۹). *جغرافیای سیاسی خاورمیانه وشمال آفریقا*. ترجمه دره میرحیدر. دفتر مطالعات سیاسی وبین المللی.

ژورنالیست با زبان حقیقت (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک اطلاعات:

http://balkhjournalism.blogsky.com/1388/07/ بازیابی شده در ۱۳۹۱/۰۲/۲۴

شولت، جان آرت (۱۳۸۶). *نگاه موشکافانه بر پدیدهٔ جهانی‌شدن*، مترجم مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کوهن، رابرت؛ نای، جوزف (۱۳۷۹). جهانی‌شدن: تازه‌ها ودیرینه‌ها، ترجمهٔ شهرام فرسایی، *فصلنامهٔ سیاست خارجی*، ۱۴(۲): ۵۶-۷۳.

گل محمدی، احمد (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن فرهنگ و هویت*. تهران: نشر نی.

لاکست، ایو(۱۳۷۸). *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک*. تهران: نشر آمن.

مجتهدزاده، پیروز؛ عسگری، سهراب (۱۳۸۵). *جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

مویر، ریچارد (۱۳۷۹). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای سیاسی*، ترجمهٔ دره میرحیدر،تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

هارت، جفری الف.؛ سانگبائی، کیم (۱۳۸۱). قدرت در عصر اطلاعات. ترجمه محسن نوکاریزی و مهدی محسنی. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۳ (۵)، ۱۱۱-۱۴۱.

هریس، بلیک (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی اطلاعات، ترجمه، سیروس آزادی، *فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی*، ۳(۵)، ۶۴-۷۸.

هلد، دیوید؛آنتونی مک گرو (۱۳۸۲). *جهانی‌شدن و مخالفان آن*. مترجم مسعود کرباسیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

هودون، میشل (۱۳۷۹). دسترسی به اطلاعات در جهان بدون مرز. ترجمه محسن نوکاریزی. *فصلنامه کتابداری و اطلاع رسانی*، ۳ (۱): ۹۹- ۱۱۲.

A geopolitics of information (2011). Available at: http://www.caslon.com.au/digitalguide5.htm retrieved at: 23 may 2011

Adams, C. b. (2010). Living in a Borderless World, Cisco IBSG Innovations Practice: available at: http://www.cisco.com/web/about/ac79/docs/pov/Borderless_World_IBSG.pdf. Retrieved: 23 may 20011.

Azam, I. (1992).Geopolitics, Political Geography and Pakistan, Progressive Publisher. Available at: http://biamericas.com/contenido/presentaciones/seguridadDeInformacionesCorporativas/information-security-in-a-border-less-world.pdf. Retrieved: 11 Oct 2011.

Dranche, D. (2004).the political economy of Dissent, CSGR working paper. 136:4. available at: www. CSGR.Com. Retrieved: 11 Oct 2011.

Ernst&Young (2011)..Information security in a borderless world. Available at: http://biamericas.com/contenido/presentaciones/seguridadDeInformacionesCorporativas/information-security-in-a-border-less-world.pdf

Gray, C. S. (2004).Geopolitics, geography, and strategy. Routledge: London.

Knox, p. (1998). Places and Regions in Global Context: Human Geography, Prentice Hall.

James, J. (2002).Technology, globalization and poverty. Edward Elgar: New York.

Maliukevičius, N. (2006). Geopolitics and Information Warfare: Russia’s Approach, Institute of International Relations and Political Science, University of Vilnius.

Newman, J; Passi, A. (1998). Fences and Neighbors in the Postmodern World" progress in Human geography", 4(22).121-132.

Ohmae, K. (1995). The End of the Nation State, Harper Collins, London.

Ohmae, K. (2011)." Borderless World": available at: www.rscbrc.indianrailways.gov.in. Retrieved at: 23, May 2011.

Ó Tuathail, G., Dalby, S.; Rutledge, P. (1998). The Geopolitics Reader. Rutledge: London

Ó Tuathail, G. (1996 a) Critical Geopolitics: The Politics of Writing Global Space, Minneapolis: University of Minnesota press.

Ó Tuathail, G. (1996 b). At the End of Geopolitics? Reflections on a Plural Problematic Century End. Available at: www.toal.net/publication. Retrieved at: 22 may 2011.

Ó Tuathail, G. (1998). De- Territorialized Threats and Global Dangers: Geopolitics and Risk Society. Available at: www.toal.net/publication. Retrieved at: 22 may 2011.

Ó Tuathail, G. (1998 b). Rethinking Geopolitics. Rutledge: New York.

Ó Tuathail, G. (1999). Borderless Worlds? Problematizing Discourses of Deterrritorialzation. Available at Available at: www.toal.net/publication. Retrieved at: 28 Feb 2011.

Ray, J. (1980). Innovation in information technology, National Research. New York.

Townsend-Gault, I. (2005). Holding the Line: Borders in a Global World, UBC Press. Available at: www.rscbrc.indianrailways.gov.in/.../1307534748297-...http://www.caslon.com.au/digitalguide5.htm. Retrieved at: 23 may 2011.